



نقد اقتصاد سیاسی نقد بتواری نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

## «مارکسیسم در مقابل اخلاق‌گرایی»:

### تحلیلی مارکسیستی از روسپی‌گری

هلن وارد

ترجمه‌ی: فرزانه راجی



شهریور ۱۴۰۳

**چکیده:** قتل اخیر پنج زن در سافک، آسیب‌پذیری کارگران جنسی را برجسته کرده است. هلمن وارد استدلال می‌کند که کسانی که آن را صرفاً به عنوان خشونت علیه زنان می‌بینند، ویژگی‌های اساسی ستم بر زنان در نظام سرمایه‌داری را درک نمی‌کنند.

\*\*\*

«روسپی‌گری فقط بیان خاصی از روسپی‌گری جهانی کارگر است.» [۱] این نقل قول از مارکس ممکن است این تصور را پدید آورد که روسپی‌گری موضوعی نسبتاً سراسر است و روشنی برای سوسیالیست‌ها است. اما برعکس نشان‌گر چالشی واقعی برای مواضع چپ است: از حمایت از سرکوب و الغای روسپی‌گری از سوی تا جرم‌زدایی و سازمان‌دهی اتحادیه از سوی دیگر. [۲] بخش زیادی از بحث‌های کنونی حول این موضوع می‌چرخد که آیا واقعاً می‌توان روسپی‌گری را کار دانست یا بهتر است آن را شکلی از خشونت علیه زنان تلقی کرد.

این دو موضع به استراتژی‌های کاملاً متضادی منجر می‌شوند. اگر روسپی‌گری کار است، پس مبارزه برای خودسازمان‌دهی و حقوق بخش مهمی از پاسخ سوسیالیستی است. از سوی دیگر، اگر روسپی‌گری خشونت و بردگی است، شرکت‌کنندگان قربانیانی هستند که نیاز به نجات دارند. کاتلین بری، سازمان‌دهنده‌ی کنفرانس بین‌المللی فمینیستی پیرامون قاچاق در ۱۹۸۳، هنگامی که از بحث و گفت‌وگو با فعال کارگر جنسی مارگو سنت جیمز خودداری کرد، با این استدلال که «کنفرانس فمینیستی است و از نهاد روسپی‌گری حمایت نمی‌کند»، دیدگاه دوم را بیان کرد. ... «بحث درباره‌ی برده‌داری جنسی با زنان روسپی مناسب نیست.» [۳]

اخیراً، جولی بیندل، نویسنده، نیز این دیدگاه را تکرار کرده و در نوشته‌اش درباره‌ی تصمیم اتحادیه‌ی سراسری کارگری در انگلستان (GMB) برای راه‌اندازی شعبه‌ای برای کارگران جنسی استدلال می‌کند: «چطور یک اتحادیه از یک سو می‌تواند علیه خشونت بر زنان مبارزه کند، اما در همان زمان آن را به اتحادیه تبدیل کند؟ به جای این که جامعه وانمود کند روسپی‌گری یک انتخاب شغلی است، باید آن را به‌خاطر آن چه هست — خشونت علیه زنان — افشا کند. اتحادیه‌سازی نمی‌تواند از زنان در این صنعت پست محافظت کند.» [۴]

اخیراً حزب سوسیالیست اسکاتلند (SSP) با وارد شدن در این معرکه اعلام کرده است روسپی‌گری خشونت علیه زنان است.

## موضع مارکسیستی پیرامون روسپی‌گری

روسپی‌گری مبادله‌ی رابطه‌ی جنسی به ازای پول است. با این حال، از آنجا که موقعیت‌های دیگری نیز وجود دارد که در آن چنین مبادله‌ای رخ می‌دهد – مثلاً در برخی از شکل‌های ازدواج – اغلب تعریف‌های فرهنگ لغت کمی فراتر می‌روند. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، روسپی «زنی است که بدن خود را برای هر گونه مقاربت جنسی بدون محدودیت به‌ویژه برای دستمزد عرضه می‌کند».

تعریف جامع‌تری در دایرةالمعارف بریتانیکا ارائه شده که در آن روسپی‌گری «عمل مشارکت در فعالیت جنسی، معمولاً با افرادی غیر از همسر یا دوست، در ازای دریافت فوری پول یا دیگر اشیاء قیمتی» توصیف شده است. این تعریف‌ها با افزودن «بدون تمایز» یا «غیر از همسر» تلاش کنند آن‌چه را که همه‌ی ما ذاتاً درک می‌کنیم دربرگیرند: روسپی‌گری به معنای رابطه جنسی خارج از روابطی است که معمولاً در آن‌ها رابطه‌ی جنسی مجاز شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد اصطلاح روسپی‌گری افراد و روابط مختلفی را در طول زمان دربرمی‌گیرد. هتاراهای یونان باستان، گیشاهای ژاپنی، روسپی‌های اروپایی، خیابان‌گردان سوهو و کارگران روسپی‌خانه‌ی بمبئی، همگی برچسب روسپی خورده‌اند.

این به ظاهر شغل بی‌زمان، که در کلیشه‌ی «قدیمی‌ترین حرفه» گنجانده شده، سپر محافظتی بسیاری از روابط اجتماعی مختلف است. چیزی که همه‌ی این زنان در آن مشترک‌اند این است که آن‌ها در خارج از سپهر خصوصی خانواده که در آن رابطه‌ی جنسی با تولیدمثل و نگاه‌داری از خانواده مرتبط است، رابطه جنسی برقرار می‌کنند. این ویژگی مهم است، زیرا به اصل موضوع می‌پردازد: روسپی‌گری را فقط در رابطه با ازدواج تک‌همسری می‌توان فهمید.

همانطور که انگلس می‌گوید: «تک‌همسری و روسپی‌گری در واقع دو قطب متضادند، اما قطب‌های جدایی‌ناپذیر متضاد وضعیت یک‌سان جامعه».[۵] ببل که در دهه‌ی ۱۸۸۰ درباره‌ی زنان و سوسیالیسم نوشت، توضیح داد: «بدین ترتیب روسپی‌گری به نهاد اجتماعی ضروری در جامعه‌ی بورژوایی تبدیل می‌شود، درست هم‌چون پلیس، ارتش دائمی، کلیسا و طبقه‌ی سرمایه‌دار.»[۶] برای درک این دیالکتیک، «نفوذ متقابل اضداد»، باید ابتدا به ماهیت روسپی‌گری در سرمایه‌داری نگاه کنیم، چگونگی تغییر آن را بر اساس شیوه‌ی تولید مورد ملاحظه قرار دهیم، و سپس به کندوکاو در رابطه‌ی بین رابطه‌ی جنسی خصوصی و عمومی و ستم بر زنان بازگردیم.

## روسپی‌گری: کالا

روسپی‌گری هم‌چون بسیاری از معاملات تجاری در سرمایه‌داری مبتنی بر خرید و فروش یک کالا است. روسپی در اصطلاح رایج «بدن خود را می‌فروشد». اما این نام بی‌مسمايي است، زیرا در پایان معامله مشتری «مالک» بدن روسپی نیست. چیزی که مشتری می‌خرد خدمتی جنسی است. برخی از فمینیست‌ها و سوسیالیست‌ها به این ایده اعتراض دارند که زنان به جای بدن خود خدماتی را می‌فروشند، اما با تصدیق موقتی بودن، آن را فروش استفاده از بدن زن برای لذت جنسی مشتریان توصیف می‌کنند.

اما حتی این هم گمراه‌کننده است. به هر جایی که روسپی‌گری می‌شود بروید، چه در خیابان‌ها، روسپی‌خانه‌ها یا از طریق آژانس، تعرفه‌ای وجود دارد. این تعرفه عموماً به دلیل محدودیت‌های قانونی مکتوب نمی‌شود، اما واضح است: برای استمنا قیمتی وجود دارد، و معمولاً برای رابطه‌ی جنسی دهانی، واژینال یا مقعدی قیمت‌های بالاتری می‌پردازند. برخی از محافظین ساعتی هزینه دریافت می‌کنند، اما به‌وضوح نیز توضیح می‌دهند که چه خدمات جنسی شامل آن هزینه می‌شود و کدام نمی‌شود. این کالا رابطه‌ی جنسی است — یا دقیق‌تر یک خدمت جنسی خاص.

بسیاری از مردم تبدیل رابطه‌ی جنسی به کالا را «گناه» اساسی روسپی‌گری تلقی می‌کنند. مهیری مک‌آلفین از حزب سوسیالیست اسکاتلند می‌نویسد: «روسپی‌گری کالایی کردن روابط جنسی است که آن را از حوزه‌ی لذت متقابل خارج کرده و وارد قلمروی بازار می‌کند».[۷] طی سال‌ها با بسیاری از رفقا بحث‌های مشابهی داشته‌ام: آیا چنین رفتار صمیمانه‌ای هرگز نباید به چیزی قابل فروش برای خرید و فروش تبدیل شود؟ این دیدگاه نسبتاً رمانتیک از رابطه‌ی جنسی به‌عنوان لذت متقابل، خودش انتزاعی است از روابط اجتماعی. رابطه‌ی جنسی تحت نظام سرمایه‌داری و جوامع طبقاتی پیشین به‌شدت تنظیم می‌شود و جنبه‌ی اقتصادی دارد. این کنترل و تنظیم مبتنی است بر لزوم دفاع از مالکیت خصوصی از طریق ارث.

انگلس در کتاب **منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت** توضیح داد که چگونه تک‌همسری (برای زنان) در کنار مالکیت خصوصی پدید آمد. خانواده‌ی تک‌همسری «از خانواده‌ی جفت‌یاب منشاء می‌گیرد... [این خانواده] مبتنی بر برتری مرد است، هدف آشکار این است که فرزندان با پدری انکارناپذیر تولید کند؛ چنین نسب پدری‌ای ضرورت می‌یابد زیرا این فرزندان بعداً به عنوان وارثان طبیعی پدر اموال پدرشان را به ارث می‌برند».[۸]

شکل دقیق خانواده به واسطه‌ی شکل‌های مختلف جامعه‌ی طبقاتی تغییر کرده است، اما محوریت تک‌همسری زنان تغییر نکرده است و قوانین، ادیان و آداب و رسوم گسترده و استواری را توضیح می‌دهد که دفاع از آن را تضمین می‌کند. این روسپی‌گری نبود که رابطه‌ی جنسی را «از حوزه‌ی لذت متقابل»

خارج کرد، بلکه ضرورت تک‌همسری در جهت دفاع از مالکیت خصوصی بود. دختران به اموالی تبدیل می‌شدند تا در ازای توانایی‌شان برای تولید وارث، در ازای قطعات زمین، احشام یا پول نقد خرید و فروش شوند. [۹] روسپی‌گری نیز از همین فرآیند سرچشمه می‌گرفت، زیرا هنوز هیچ جامعه‌ای نتوانسته تک‌همسری را، آن‌گونه که برای زنان اعمال می‌شود، برای مردان نیز اعمال کند. دموستنس، سخن‌وری یونانی، نگرش به زنان در جامعه‌ی برده‌داری آتن را این‌گونه خلاصه می‌کند: «ما برای لذت خود به روسپیان [۱۰] متوسل می‌شویم، صیغه نگه می‌داریم تا به نیازهای روزانه‌مان رسیدگی کنند، و با همسرانی ازدواج می‌کنیم تا به ما فرزندان مشروع بدهند و نگهبانان وفادار خانه و خانواده‌ی ما باشند» [۱۱]

اما آیا این دیدگاه منسوخ نشده است؟ آیا قطعاً رابطه‌ی جنسی در قرن بیست و یکم عمدتاً برای لذت متقابل است و نه تولید وارث یا انتقال پول نقد؟ در طول ۴۰ سال گذشته به دلیل تغییر در موقعیت اجتماعی زنان و توسعه‌ی روش‌های موثر پیش‌گیری از بارداری، آزادسازی جنسی قابل توجهی صورت گرفته است، و روسپی‌گری یگانه شکل رابطه‌ی جنسی غیرزناشویی نیست. با این حال، ساختارهای اجتماعی هم‌چنان از روابط دگرجنس‌گرایانه‌ی تک‌همسری در رابطه با مالکیت حمایت می‌کنند، و زنان در سرتاسر جهان اگر آشکارا به دنبال رابطه‌ی جنسی غیرتک‌همسری باشند هم‌چنان به‌عنوان روسپی و هرزه محکوم می‌شوند.

### ساختار طبقاتی روسپی‌گری

در ظاهر به نظر نمی‌رسد که روسپی‌گری در مقوله‌های اقتصادی استاندارد قرار گیرد. مورخی می‌نویسد: «... روسپی مانند هیچ کالایی رفتار نمی‌کند. او مکان منحصربه‌فردی را در مرکز یک نظام اقتصادی غیرمعمول و پلید اشغال می‌کند. او قادر است تمام شرایط درون تولید سرمایه‌داری را بازنمایی کند. او هم‌زمان کار انسانی، موضوع مبادله و فروشنده است. او در موقعیت کارگر، کالا و سرمایه‌دار قرار می‌گیرد و مقوله‌های اقتصاد بورژوازی را به همان شیوه‌ای که مرزهای اخلاق بورژوازی را می‌آزماید، مخدوش می‌کند. ... بنابراین، روسپی به‌عنوان یک کالا، تمام ویژگی‌های کلاسیک اقتصاد بورژوازی را هم دربرمی‌گیرد و هم آن را تحریف می‌کند.» [۱۲]

با این که اشتباه است بگوییم روسپی می‌تواند تمام عناصر تولید سرمایه‌داری را نمایندگی کند، اما نقل قول یادشده به نقش‌های مختلفی که روسپی‌ها می‌توانند ایفا کنند اشاره می‌کند. آن‌ها در واقع می‌توانند در نقش کارگر، کالا، فروشنده و حتی سرمایه‌دار ظاهر شوند، اما این بدین دلیل است که روسپی‌های مختلف می‌توانند رابطه‌ی متفاوتی با کالایی که می‌فروشند داشته باشند.

کالاها هم ارزش مصرفی دارند و هم ارزش مبادله‌ای. ارزش مصرفی در روسپی‌گری، ارضای میل مشتری، تأمین لذت جنسی است. ارزش مبادله کار اجتماعی‌ای است که در آن کالا تجسم یافته است، یعنی کار فیزیکی و ذهنی درگیر در ارائه‌ی خدمات جنسی. این معادل چیزی است که یک کارگر جنسی برای بازتولید خود تحت شرایط میانگین اجتماعی برای آن صنعت نیاز دارد.

روسپی‌گری همانند بسیاری از صنایع خدماتی و تولیدی در سرمایه‌داری به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد و روسپی رابطه‌ی متفاوتی با ابزار تولید و خریدار دارد. بسیاری از روسپی‌ها کارگران مزدبگیر هستند: روسپی‌ها را یک فرد یا موسسه استخدام می‌کند و آن‌ها باید ساعت‌های معینی کار کنند. این موضوع در مورد میلیون‌ها زن شاغل در روسپی‌خانه‌ها، سوناها و بارها در سراسر جهان صدق می‌کند. به آن‌ها دستمزدی بر اساس ساعات کار یا تعداد مشتریانی که پذیرا می‌شوند پرداخت می‌شود.

در این مورد آن‌ها خدمات جنسی را مستقیماً به مشتری نمی‌فروشند — آن‌ها نیروی کار خود را به رئیس می‌فروشند. این رئیس (دلال محبت، خانم رئیس، روسپی‌خانه یا صاحب‌بار) از مشتریان پول می‌گیرد و بخشی را به کارگر جنسی می‌دهد (یا کارگر جنسی باید بخشی از حق‌الزحمه‌ی خود را به آن‌ها بدهد). در واقع به این معناست که می‌توان گفت کارگر جنسی، هم‌چون همه‌ی کارگران مزدبگیر دیگر «بدن خود را می‌فروشد»، به این معنا که توانایی خود را برای کار کردن می‌فروشد. با این حال، همانطور که مارکس در جلد اول **سرمایه** توضیح می‌دهد، این امر با خود فروختن فرق دارد: «... صاحب نیروی کار [کارگر] باید آن را فقط برای مدت معینی بفروشد، زیرا اگر بخواهد آن را از بیخ و بن برای یک بار برای همیشه بفروشد، خودش را می‌فروشد و خود را از انسانی آزاد به برده تبدیل می‌کند. از صاحب کالا به کالا تبدیل شود. [۱۳]

در واقع کارگران جنسی در این‌گونه شرایط برده‌داری وجود دارند؛ در شرایطی که به‌عنوان کالا خرید و فروش می‌شوند و سپس برای صاحبان برده کار می‌کنند. احیای این برده‌داری مدرن، که بیش‌تر در رابطه با قاچاق انسان گزارش شده، منحصر به روسپی‌گری نیست، بلکه در کارهای خانگی و سایر کارهای پست نیز وجود دارد. این واقعیت که برده‌داری در برخی از بخش‌های صنعت سکس وجود دارد، نباید ما را نسبت به این واقعیت نابینا کند که در شرایط رایج‌تر برده‌داریِ مزدی، خودفروشی بسیار بیش‌تری صورت می‌گیرد.

اکثر کارگران جنسی نه برده هستند و نه کارگران مزدبگیر — عمدتاً به این دلیل که محدودیت‌های قانونی درباره‌ی روسپی‌گری مانع گسترش «مشروع» این صنعت شده و آن را در سایه‌ی بازار سیاه و اقتصاد خلاف‌کارانه نگه داشته است. بسیاری از کارگران جنسی فروشنده‌ی مستقیم هستند. آن‌ها برای کسی کار نمی‌کنند بلکه مستقیماً با مشتری معامله می‌کنند. در این شرایط آن‌ها هنوز یک کالا را می‌فروشند، اما این بار نیروی کار آن‌ها نیست، بلکه کالایی است که نیروی کار آن‌ها در آن گنجانده شده است، یعنی

خدمات جنسی، و آن را مستقیماً به خریدار می‌فروشند. آن‌ها در واقع خوداشتغال هستند، اگرچه در اکثر کشورها نمی‌توانند با این عنوان به صورت قانونی ثبت شوند. برخی از آن‌ها منابعی دارند و مالک ابزار تولیدند یا آن‌ها را اجاره می‌کنند: محل، تلفن و سایر ابزارهای کسب‌وکار. آن‌ها خرده‌بورژواهای کلاسیک هستند.

اما غالب زنان در این شرایط از تصویر طبقه‌ی متوسط و خوداشتغال بسیار فاصله دارند. اکثر آن‌ها فقیرند و منابع اندکی دارند و برای برخی از آنان دادوستد بیش‌تر شبیه شکل‌های بدوی مبادله است؛ مثلاً هنگامی که خدمات جنسی به‌طور مستقیم برای امرار معاش، مانند غذا و سرپناه، یا برای مواد مخدر ارائه می‌شود. این افراد فقط به صورت پیرامونی در اقتصاد سرمایه‌داری دخیل هستند — آن‌ها بخشی از قشری هستند که مارکس لمپن‌پرولتاریا می‌نامید. و نیز روسپی‌هایی هستند که دیگران را استخدام می‌کنند تا برایشان کار کنند. برخی از کارگران جنسی به عنوان مادام و صاحب روسپی‌خانه به کسب‌وکار خود ادامه می‌دهند. آن‌ها به عنوان رئیس مالک ابزار تولید هستند و از کار دیگران بهره‌کشی می‌کنند، در حالی که اغلب برای مدتی به فروش جنسی خود نیز ادامه می‌دهند. بنابراین برخی از روسپی‌ها کارگر، برخی برده، بیش‌تر خرده‌بورژوا و تعداد کمی سرمایه‌دار هستند. [۱۴]

### استثمار یا ستم؟

مارکس در این سطح نسبتاً بالای انتزاع — از کالاها، ارزش‌های مصرفی و ارزش‌های مبادله‌ای — ماهیت استثمار را شناسایی کرد. سرمایه‌داران کارگران را نه با فریب یا نیرنگ، بلکه به دلیل ماهیت خودِ کارِ مزدی استثمار می‌کنند: کارگران کالایی را با دستمزد مبادله می‌کنند. این کالا محصول کار آن‌ها نیست، بلکه توانایی آن‌ها برای کارکردن است یعنی نیروی کار آن‌ها. استثمار حاصل تفاوت بین ارزش آن نیروی کار و ارزش کالاهایی است که آن‌ها در طول زمانی که نیروی کارشان را سرمایه‌دار استفاده می‌کند تولید می‌کنند. استثمار از این واقعیت ناشی می‌شود که کارگر مالک محصول کار خود نیست، بلکه صرفاً صاحب ظرفیت کار است. حتی زمانی که دستمزد به ارزش کامل نیروی کار پرداخت می‌شود، یعنی مبادله‌ای عادلانه در شرایط سرمایه‌داری، کارگر استثمار می‌شود. روبرتا پرکینز، که پیرامون صنعت سکس در استرالیا می‌نویسد، توضیح مفیدی از نحوه‌ی عملکرد این روند در کسب‌وکارهای مرتبط با کار جنسی ارائه می‌دهد:

«روسپی‌خانه‌ها یا سالن‌ها (انواع مختلف روسپی‌خانه‌ها) [۱۵] از نظر ساختاری معادل کارخانه‌ای کوچک تا متوسط، هتل یا ساختمان‌های دیگر هستند که صرفاً در حکم محل کار استفاده می‌شوند، و شامل مخارج سرمایه‌ای بزرگ، منابع انسانی و اقتصادی بالا و سود منظم و زیاد است. ”مالک وسایل تولید“ ممکن است

یک فرد، یک شرکت تضامنی یا شرکتی از سهام‌داران باشد که کارکنان حقوق‌بگیر کمکی مانند مدیران، متصدیان پذیرش، خدمه، یا نظافتچی‌ها و کارکنان دفتری و اجرایی، یا روسپی‌ها را استخدام می‌کند.

«روسپی‌ها در این‌جا بر اساس سنت پرولتاریایی کار می‌کنند که در آن نیروی کارشان اجیر و با پول نقد مبادله می‌شود. ارزش مبادله‌ای روسپی معمولاً نصف ارزش مبادله‌ای کالایی (رابطه‌ی جنسی) است که مشتری (مشتری یا مصرف‌کننده) خریداری می‌کند. این حق کمیسیون [یا دستمزد] او در توافقی مشترک با مالک است، که سهمش ارزش اضافی است که از آن دستمزد برای کمک‌ها، اجاره، برق، تلفن، تبلیغات و سایر هزینه‌های سرباری و سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری مجدد در کسب‌وکار (مثلاً بهبود یا توسعه) باید استخراج شود. مانده‌ی این ارزش اضافی، سود مالک یا مالکان است.» [۱۶]

استثمار و سود در این‌جا همانند سایر کارگران مزدبگیر، ناشی از تفاوت بین هزینه‌ی به‌کارگیری کارگر سکس و درآمدی است که او می‌تواند از طریق کالایی که تحویل می‌دهد ایجاد کند. برای خرده‌بورژواها به این معنا استثماری وجود ندارد و سود از بالا بردن قیمت، بالاتر از هزینه‌های کسب‌وکار، حاصل می‌شود. این تحلیل را فمینیست‌ها رد و استدلال می‌کنند که مشتری مستقیماً کارگر جنسی را استثمار می‌کند. مطمئناً در رابطه‌ی روسپی و مشتری، مشتری تقریباً همیشه در موقعیت اقتصادی ممتازی قرار دارد، اما روسپی را استثمار نمی‌کند. نقش او در این رابطه نقش مصرف‌کننده است. بسیاری دیگر او را استثمار می‌کنند — کارفرمایی که ممکن است دلال‌محبت، بنگاه کسب‌وکار یا خانم‌رئیس باشد — اما از نظر اقتصادی مشتری نیستند. [۱۷] در این‌جا قیاس انگلس پیرامون روسپی‌گری و تک‌همسری موضوعیت دارد. شوهر در خانواده، از نظر قدرت، درآمد قابل‌تصرف و رهایی از بسیاری از کارهای پیش‌پاافتاده نسبت به همسرش امتیازهای بیش‌تری دارد. اما او به‌طور کلی این امتیازها را از طریق استثمار اقتصادی همسرش به دست نیاورده است؛ او این‌ها را از جایگاه عمومی مردان و زنان در سرمایه‌داری «به ارث برده است.» [۱۸]

این‌که بگوییم مشتریان روسپی‌ها را استثمار نمی‌کنند، به این معنا نیست که بگوییم آن‌ها را تحت ستم قرار نمی‌دهند. بسیاری از کارگران جنسی را مشتریانی که با آن‌ها به شیوه‌ای تحقیرآمیز و اغلب خشونت‌آمیز رفتار می‌کنند، به طرز وحشیانه‌ای مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند. دولت نیز با کارگران جنسی به همین شکل رفتار می‌کند و اغلب آن‌ها را از حقوق اولیه‌ی انسانی و قانونی محروم می‌کند. به‌عنوان مثال، تا همین اواخر در بریتانیا، زنی که قبلاً به‌دلیل محکومیت‌های قبلی برای تلاش برای رابطه‌ی جنسی پولی محکوم شده بود، «روسپی‌ی معمولی» شناخته می‌شد. هنگامی که این اتهام در پرونده‌اش ثبت می‌شد، حقوق کم‌تری نسبت به دیگران داشت. محکومیت‌های آینده نیازی به مدارک دو شاهد نداشت، اما می‌توانست بر اساس اظهارات یک افسر پلیس تایید شود و سابقه‌ی قبلی او در دادگاه مطرح می‌شد.

در بسیاری از کشورها، زنانی که قبلاً به دلیل روسپی‌گری محکوم شده‌اند، محدودیت‌هایی در حق سفر دارند، آن‌ها اغلب از حضانت فرزندان خود محروم می‌شوند، و امروزه در انگلستان برای زنان خیابانی دستوراتی برای رفتار غیراجتماعی صادر می‌شود که منجر به منع رفت‌وآمد مؤثر برای فعالیتی می‌شود که در واقع جرم نیست. نمونه‌های افراطی‌تر از ظلم به روسپی‌ها عبارتند از میزان بالای قتل و تجاوز خشونت‌آمیز و شیوه‌ی شیرانه‌ای که در مطبوعات با روسپی‌ها برخورد می‌شود. زنانی که به عنوان روسپی «اخراج» می‌شوند، خود را بیرون از خانواده و حلقه‌ی دوستان می‌یابند، می‌توانند فرزندان خود را از دست بدهند و هرگز نمی‌توانند به مشاغل «مرسوم» وارد شوند. آن‌ها به متمرّد تبدیل می‌شوند.

این تحریم‌های قانونی و اجتماعی نه تنها زنانی را که در خیابان کار می‌کنند، تحت تاثیر قرار می‌دهد. بلکه به هر زنی که «روسپی» به نظر برسد تعمیم می‌یابند. اما واضح است که آسیب پذیرترین زنان — آن‌هایی که پول ندارند، تحصیلات ضعیف و حمایت اجتماعی اندک دارند — بیش‌ترین آسیب را می‌بینند. آن‌ها از همه طرف مورد بی‌حرمتی قرار می‌گیرند. جای تعجب نیست که بسیاری از آن‌ها به اعتیاد به مواد مخدر یا الکل و سایر مسائل روانی مبتلا می‌شوند. اما این کلیشه‌ی رایج درباره‌ی زنانی که در کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و برای «تغذیه»ی عادت به مواد مخدر به روسپی‌گری کشیده می‌شوند، رایج‌ترین داستان نیست.

معمولاً مجموعه‌ای از شرایط زنان را به کار جنسی سوق می‌دهد و وجه مشترک آن اعتیاد یا سوء مصرف مواد مخدر نیست، اگرچه این‌ها نیز از عوامل هستند، بلکه کمبود پول است. فقدان پول ممکن است مطلق یا نسبی باشد — بسیاری از زنان صنعت سکس را نسبت به مشاغل کم‌درآمد و بسیار استثمارکننده در بخش رسمی گزینه‌ی بهتری می‌دانند.

در کشورهای دیگر هم وضعیت فرقی نمی‌کند. کارگران جنسی در هند در ۱۹۹۷ مانیفستی تهیه کردند که شامل همین ادعا در مورد علت پرداختن زنان به کار جنسی است:

«زنان به همان دلیلی دست به روسپی‌گری می‌زنند که ممکن است به هر گزینه‌ی در دسترس دیگری برای امرار معاش متوسل شوند. داستان‌های ما اساساً با کارگر بی‌هاری که در کلکته ریکشا می‌کشد، یا کارگر کلکته که نیمه‌وقت در کارخانه‌ای در بمبئی کار می‌کند، تفاوتی ندارد. برخی از ما به صنعت فروخته می‌شویم. پس از ارتباط با خانمی که چند سالی ما را خریده است، در صنعت سکس درجه‌ای از استقلال به دست می‌آوریم. پس از سپری کردن تجربه‌های زیادی در زندگی، اغلب ناخواسته، بدون درک کامل همه پیامدهای روسپی بودن، در نهایت وارد تجارت جنسی می‌شویم. اما چه وقت اکثر ما زنان بین زندگی خانوادگی و غیرخانوادگی حق انتخاب داشتیم؟ آیا ما با کمال میل کارگر خانگی می‌شویم؟ آیا حق انتخاب

داریم که با چه کسی و چه زمانی ازدواج کنیم؟ "انتخاب" به ندرت برای بیش‌تر زنان، به‌ویژه زنان فقیر، واقعی است.» [۱۹]

## عمومی و خصوصی

این تحلیل مارکسیستی نشان می‌دهد که روسپی‌گری به‌عنوان روی دیگر سکه‌ی تک‌همسری که برای دفاع از مالکیت خصوصی وجود دارد، توسعه یافته و روابط جنسی را نمی‌توان به طور کامل از روابط اقتصادی در جامعه‌ی طبقاتی جدا کرد. ستم بر زنان ریشه در جدایی رنج و زحمت خانگی و بازتولید از تولید و زندگی اجتماعی دارد.

روسپی‌گری تهدیدی برای جامعه است، زیرا با بیرون بردن رابطه‌ی جنسی از خانه و ورود به بازار این خطر وجود دارد که این تمایز شدید مخدوش شود. ثانیاً نشان می‌دهد که در سرمایه‌داری روسپی‌ها طبقه‌ای واحد نیستند. برنامه‌ی ما پیرامون روسپی‌گری باید بازتاب این درک باشد، و نه ایده‌های عاشقانه‌مان که رابطه‌ی جنسی باید نشان‌دهنده‌ی چه چیزی باشد، و نه وحشت‌هایمان از استثمار بسیار شدید کارگران جنسی.

## کارگران جنسی سازمان‌دهی می‌کنند

در سال‌های اخیر سازمان‌های کارگران جنسی رشد زیادی داشته‌اند. در آمریکای شمالی و اروپا، بسیاری از این سازمان‌ها از گروه‌های زنان و سایر جنبش‌های اجتماعی به وجود آمده‌اند، اما مجبور شده‌اند مواضع فمینیستی پیرامون کار جنسی را کنار بگذارند تا برای حقوق خود مبارزه کنند. بسیاری از فمینیست‌ها خواهان لغو روسپی‌گری هستند و آن را صرفاً خشونت علیه زنان می‌دانند. آن‌ها استدلال می‌کنند که باید آن را از طریق مجازات قانونی مدیران و مشتریان و ایجاد گروه‌های نجات برای نجات روسپی‌ها از بین برد. در واقع بسیاری از آن‌ها از روسپی‌ها حرف نمی‌زنند، چه رسد به کارگران جنسی، بلکه از اصطلاح «زنان تن‌فروش» استفاده می‌کنند. این شکل خاص از زبان پرنخوت نگرش آن‌ها را آشکار می‌کند: آن‌ها کارگران جنسی را فریب‌کار می‌دانند و هیچ نقشی برای خود آنان در رهایی از هرگونه ستم و استثمار که متحمل می‌شوند قائل نیستند.

این مجادله بین ناجیان فمینیست و گروه‌های حقوق کارگران جنسی به قدری شدید است که به ندرت پلتفرمی مشترک دارند. **کتابخانه‌ی زنان** [۲۰] در لندن اخیراً نمایش‌گاهی درباره‌ی روسپی‌گری ترتیب داد و به هیچ نماینده‌ای از سازمان‌های کارگران جنسی اجازه‌ی شرکت نداد، که منجر به اعتراض‌هایی خارج از اتحادیه‌ی بین‌المللی کارگران جنسی (IUSW) شد. [۲۱] افراطی‌ترین موضع را جولی

برچیل نویسنده اتخاذ کرد که می‌نویسد: «روسپی‌گری بزرگ‌ترین پیروزی سرمایه‌داری است. وقتی جنگ جنسی به پیروزی رسید، روسپی‌ها باید به دلیل خیانت وحشتناک‌شان به همه‌ی زنان به‌عنوان هم‌دستان {سرمایه‌داری}، به‌خاطر زجر و شکنجه‌ی اخلاقی که به زنان اصیل می‌دهند که شانس بدی داشته‌اند و به آن‌چه داشته‌اند قناعت کرده‌اند، تیرباران شوند.» [۲۲]

سازمان‌های کارگران جنسی به خاطر رمانتیک کردن روسپی‌گری و نمایندگی کردن فقط «حرفه‌ای‌های» طبقه‌ی متوسط مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. اما در هند، سازمانی توده‌ای از کارگران جنسی وجود دارد و دقیقاً همان مواضع را اتخاذ می‌کند. کمیته‌ی Durbar Mahila Samanwaya یا («دوربار» که در بنگالی به معنای توقف‌ناپذیر یا رام‌نشدنی است) در بنگال غربی، هند مستقر است و از طرح پیش‌گیری از ایدز Sonagachi به وجود آمده است. دوربار ۶۵ هزار عضو دارد که در برخی از فقیرترین مناطق کشور کار می‌کنند:

«دوربار به صراحت پیرامون هدف سیاسی خود یعنی مبارزه برای به رسمیت شناختن کار جنسی به‌عنوان کار و کارگران جنسی به‌عنوان کارگران و برای یک زندگی اجتماعی امن برای کارگران جنسی و فرزندان‌شان صحبت می‌کند. دوربار خواستار جرم‌زدایی از کار جنسی بزرگ‌سالان و به‌دنبال اصلاح قوانینی است که حقوق انسانی کارگران جنسی را محدود، کار آن‌ها را جرم‌انگاری و حقوق آن‌ها را به‌عنوان شهروندان کامل محدود می‌کند.» [۲۳]

مانیفست آن‌ها در ۱۹۹۷ که قبلاً ارائه شد، درکی از ستم جنسی را آشکار می‌کند که بسیاری از سوسیالیست‌ها را شرمند می‌کند:

«حقوق قانونی مالکیت خصوصی و حفظ نظام مردسالاری مستلزم کنترل بر تولیدمثل زنان است. از آنجا که مرزهای مالکیت از طریق وارثان مشروع حفظ می‌شود و فقط آمیزش جنسی بین زن و مرد دارای پتانسیل تولیدمثل است، پدرسالاری سرمایه‌دارانه تنها چنین پیوندهایی را تصدیق می‌کند. سکس عمدتاً و تقریباً منحصرأً به‌عنوان وسیله‌ای برای تولیدمثل در نظر گرفته می‌شود که تمام جنبه‌های لذت و میل ذاتی آن را نفی می‌کند. مردان جوانی که به دنبال آغاز روابط جنسی‌اند، مردان متاهلی که در جست‌وجوی هم‌راهی با زنان «دیگر» هستند، کارگران مهاجر جدا شده از همسران خود که سعی می‌کنند گرما و هم‌راهی را در مناطق فروش سکس بیابند، همه را نمی‌توان شرور و منحرف دانست. چنین قضاوتی به منزله‌ی نادیده گرفتن کل تاریخ جست‌وجوی انسان برای میل، صمیمیت و نیاز است.»

سازمان‌های کارگران جنسی کلید مبارزه با استثمار و ظلم هستند. با توجه به شکاف طبقاتی در روسپی‌گری، این سازمان‌ها باید توسط آن دسته از کارگران جنسی که شاغل هستند یا برای خودشان کار می‌کنند، اداره

شوند، و نباید به حال خود رها شوند تا زمینه‌ی جذب افرادی باشند که می‌خواهند دیگران را به کارگرفته و استثمار کنند.

اتحادیه‌ها و سازمان‌های اجتماعی کارگران جنسی باید پیوندهای محکمی با سایر سازمان‌های کارگری داشته باشند: آن‌ها به‌عنوان بخشی از یک جنبش کارگری متحد و قوی بهتر می‌توانند با تعصبات گسترده مبارزه کنند.

در دهه‌ی گذشته چندین اتحادیه موافقت کرده‌اند کارگران جنسی را سازمان‌دهی و نمایندگی کنند. در بریتانیا، اتحادیه بین‌المللی کارگران جنسی (IUSW) اتحادیه عمومی (GMB) را متقاعد کرد که یک شعبه صنعت سکس در سوهو تشکیل دهد، و با موفقیت یک روسپی‌خانه را به اتحادیه تبدیل کرده و در مورد توافق‌نامه‌هایی برای به رسمیت شناختن کلوپ‌های رقص میله مذاکره کرده است. کارگران جنسی نیز در اتحادیه‌های عمومی آلمانی (Verdi) و هلندی (FNV) گنجانده شده‌اند. [۲۴]

## روسپی‌گری و سوسیالیسم

زندگی کارگران جنسی اغلب سخت و خطرناک است، نه صرفاً به این دلیل که این کار جرم‌انگاری و سرکوب شده است و کارگران جنسی را در معرض سوء استفاده دلال‌ها و مشتریان قرار می‌دهد. بسیاری از کارگران جنسی از کار خود ناراضی هستند و اگر جای‌گزین‌های واقع‌بینانه‌ای وجود داشته باشد، مایلند آن را ترک کنند. این کار نیز هم‌چون سایر کارهای تحت سرمایه‌داری شکلی از کار بیگانه است.

روسپی‌گری، در این شکل، در جامعه‌ی سوسیالیستی وجود نخواهد داشت، نه خانواده و نه کار به شکل کنونی خود. ممکن است مجریان و متخصصان حرفه‌ای جنسی وجود داشته باشند، اما از پیوند با مالکیت خصوصی و تک‌همسری مقدس یا اجباری دولتی رها شده‌اند. تکامل روابط جنسی به گونه‌ای خواهد بود که ما فقط می‌توانیم در مورد آن گمانه‌زنی کنیم. نکته‌ی کلیدی این است که تمایز بین عمومی و خصوصی، به معنای کار اجتماعی عمومی و بازتولید خصوصی، باید از بین برود و در این فرآیند زنان واقعاً آزاد خواهند شد.

\* مقاله‌ی حاضر ترجمه‌ای است از *“Marxism versus moralism”: a Marxist analysis of prostitution* نوشته‌ی Helen Ward. این مقاله را می‌توانید در این [لینک](#) بیابید.

\* هلن وارد، پزشک و محقق بهداشت عمومی، بیش از ۲۰ سال با کارگران جنسی در لندن و اروپا کار کرده است. او به همراه انسان‌شناسی به نام سوفی دی درباره‌ی ایدز، تحرک شغلی و دوره‌ی زندگی در کار جنسی تحقیق کرده و یکی از بزرگترین پروژه‌ها را برای کارگران جنسی در بریتانیا اجرا کرده است. او از حامیان اتحادیه‌ی بین‌المللی کارگران جنسی است.

## یادداشت‌ها

[1]. Marx K. *Economic and philosophical manuscripts*, 1844.

این متن و سایر متون کلاسیک در [www.marxists.org](http://www.marxists.org) موجود است.

[۲]. در این مقاله من از اصطلاح‌های روسپی‌گری و کار جنسی استفاده می‌کنم. بحث‌های گسترده‌ای درباره‌ی این که کدام یک ارجح است وجود داشته: کنش‌گران عموماً کار جنسی را ترجیح می‌دهند و به گروه وسیع‌تری از افراد درگیر در صنعت سکس اشاره دارند. با این حال، بحث‌های تاریخی و جاری درباره‌ی نقش سکس تجاری در جامعه به روسپی‌گری اشاره دارند (مثلاً مبادله‌ی سکس به جای نمایش مصور سکس)، بنابراین فکر می‌کنم ادامه‌ی استفاده از آن مهم است. من همچنین در هنگام بحث درباره‌ی ویژگی‌های کلی روسپی‌گری، منحصرأً به کارگران زن و مشتریان مرد اشاره می‌کنم. بدین دلیل که این شکل غالب است و بیش‌ترین ارتباط را با سرکوب عمومی جنسی دارد. با این حال، این به معنای انکار این امر نیست که تعداد زیادی از مردان نیز سکس می‌فروشدند. دولت بریتانیا تخمین می‌زند که امروزه ۷۰۰۰۰ کارگر جنسی در بریتانیا وجود دارد.

[3]. RS Rajan, “The prostitution question(s). (Female) Agency, sexuality and work”, in *Trafficking, sex work, prostitution, Reproduction 2*, 1999.

[4]. J Bindell, *Guardian*, 7 July 2003

[5]. F. Engels, *The origin of the family private property and the state Section II part 4*, Lawrence and Wishart, 1972.

[6]. A Bebel, *Woman under socialism*, Schocken Books, 1971.

[7]. Scottish Socialist Party Women’s Network, “[Prostitution: a contribution to the debate](#)”, 2006.

[8]. F. Engels, op cit

[9]. *Movement for a Revolutionary Communist International 1986*, “[The origin and changing nature of women’s oppression](#)”, In *Theses on women’s oppression* at

[۱۰]. Courtesans, روسپییانی که مشتریان‌شان عمدتاً از طبقات بالا بودند.

- [11]. J. A. Symonds, "[A problem in Greek Ethics](#)", 1901.
- [12]. S. Bell S, *Reading, writing and rewriting the prostitute body*, Indiana University Press, 1994.
- [13]. K Marx, *Capital*, Volume 1, Penguin, 1976 (emphasis added).
- [۱۴]. این ناهم‌گونی طبقاتی منحصر به روسپی‌گری نیست. می‌توان با دهقانان قیاس کرد که سلسله‌مراتبی از رعیت‌های وابسته به زمین تا کشاورزان کوچکی که تنها به نیروی کار خود (و خانواده‌اشان) متکی هستند و محصولات خود را می‌فروشند، تا کشاورزان ثروت‌مندتری که دیگران را به کار می‌گیرند، دارند.
- [۱۵]. bordellos, bagnios, stews, seraglios. اشکال مختلف روسپی‌خانه در جوامع مختلف.
- [16]. R Perkins, *Working girls: prostitutes, their life and social control*, Australian Institute of Criminology, 1991.
- [۱۷]. البته مشتریان می‌توانند با امتناع از پرداخت هزینه‌ی خدمات جنسی‌ای که دریافت کرده‌اند، از روسپی کلاهبرداری کنند، اما این دزدی است نه بهره‌کشی.
- [۱۸]. استثناً در این مورد جایی است که خانواده واحد تولیدی است؛ معمولاً در جوامع دهقانی و صنعتی اولیه، شوهر هم سرپرست خانوار است و هم مدیر و سرپرست تجارت و از کار همسر و فرزندان خود بهره‌کشی می‌کند.
- [19]. Sonagachi Project, [Sex workers' manifesto](#), Calcutta, 1997.
- [20]. *Women's Library*
- [۲۱]. برای اطلاع از جزئیات این نمایشگاه که تا پایان مارس ۲۰۰۶ ادامه داشت بنگرید به این [لینک](#).
- [22]. [http://en.wikiquote.org/wiki/Julie\\_Burchill](http://en.wikiquote.org/wiki/Julie_Burchill)
- [23]. Durbar Mahila Samanwaya Committee [www.durbar.org](http://www.durbar.org)
- [24]. G. Gall, *Sex Worker Union Organising*, Palgrave Macmillan, 2006.